

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت در میان اموری که برای افراد بشر ارزش و اعتبار خاصی دارند مقام مهمی دارا می‌باشد. مطالعه جوامع مختلف انسانی نشان می‌دهد که مفاهیمی از قبیل علم، اخلاق، هنر، دموکراسی، صلح، میراث فرهنگی، عدالت و دین در میان اکثریت افراد هر جامعه اهمیت خاصی دارند. ادراک ارزش اینگونه امور بدون تردید در سایه تربیت امکان پذیر است.

نقش تربیت در زمینه علمی و آشنا کردن افراد برشته های مختلف علوم بر کسی پوشیده نیست در اینجا توجه بچند نکته لازم است اول اینکه فراگرفتن علم و دارا شدن روح علمی با حفظ مطالب علمی فرق دارد. در بسیاری از مدارس نقش علوم در برنامه مدرسه و هدف از تدریس آنها روشن نیست. غالب معلمان کوشش دارند شاگردان را بحفظ مطالب علمی وادار نمایند. هدف آنها این است که برنامه درسی را که از طرف اولیاء فرهنگ تعیین شده است تمام کنند و آخر سال از طریق طرح چند سؤال محفوظات شاگردان را در رشته های علمی اندازه گیری نمایند و با دادن نمره ای بشاگردان موفقیت یا شکست آنها را تعیین کنند. متخصصان تعلیم و تربیت برای این نوع کارها ارزش تربیتی قائل نیستند. بنظر آنها گنجانیدن علوم در برنامه مدارس هدفهای تربیتی معینی دارد، ارزش علم وقتی برای افراد روشن میشود که فهم روشنی از مبانی علوم پیدا کنند و افکار و نظریات علمی را در زندگی روزمره بکار برند و نقش علوم را در حل مشکلات زندگی درک کنند. مقدم بر همه اینها باید توجه داشت که هدف اساسی در گنجانیدن مواد علمی در برنامه های تربیتی ایجاد روح علمی در شاگردان است روح علمی وقتی در شاگردان ایجاد میشود که افکار، عقاید، عادات، تمایلات

و نظر آنها با مبانی علمی سازش داشته باشد و قضاوت و اظهار نظر آنها متکی بدلیل و منطق باشد .

در مورد اخلاق ، تعلیم و تربیت نقش خاصی دارد تربیت اخلاقی امروز با گذشته فرق دارد در گذشته مربیان یا اولیاء بچه‌ها میخواستند از راه « موعظه » و اندرز دادن یا از طریق اجبار بچه‌ها باطاعت کورکورانه از بزرگترها و یا از طریق تلقین سطح اخلاق بچه‌ها را بالا ببرند . غالباً دیده میشد که نصایح و اندرزها حتی برای خود مربیان یا اولیاء بی‌معنی و نامفهوم بود . دستورهای اولیاء با مصالح و احتیاجات بچه‌ها سازش نداشت و دلیل اجرای آن دستورها برای آنها روشن نبود . تلقین نیز در رشد اخلاقی بچه‌ها موثر واقع نمیشد زیرا تلقین یعنی تحمیل عقیده خاصی بر دیگران . در بیشتر موارد فردی که تحت تلقین قرار میگیرد اهمیت و ارزش عقیده‌ای را که دیگران میخواهند باو تحمیل کنند نمیداند . امروز مربیان بزرگ عقیده دارند در تربیت اخلاقی باید بچه‌ها را بمیزانهای که در جامعه ، خانواده و مدرسه مورد قبول است آشنا نمود و اساس و پایه اینگونه میزانها را برای آنها روشن ساخت و ضمن بالا بردن سطح معلومات علمی و اجتماعی بچه‌ها بآنها کمک کرد تا با توجه بمیزانهای اجتماعی برای خویشتن نیز اصول و قواعدی ایجادکنند و این اصول و قواعد را حاکم بر اعمال و رفتار خود قرار دهند و ازین راه در توسعه وجدان اخلاقی و قوه تمیز میان خوب و بد را خود کوشش کنند . کار عمده مربی این است که قدرت فهم و سنجش بچه‌ها را در برخورد بمسائل مختلف رشد دهد و بآنها در انتخاب و توسعه میزانهای اخلاقی کمک نماید و ضمن ایجاد فرصتهای مناسب آنها را افرادی مستقل بار آورد تا خوب در انتخاب هدف و تهیه نقشه اقدام کنند و همیشه مصالح عمومی را مقدم بر منافع شخصی قرار دهند و بموقع مرد عمل باشند .

ادراک ارزش امور هنری و قدردانی از هنرمندان و آثار هنری آنها و رشد ذوق هنری در افراد نیز در سایه تعلیم و تربیت صحیح و کوشش مربی آگاه ممکن است .

در مورد دموکراسی باید گفت تعلیم و تربیت رکن اساسی و عامل ایجاد و بقاء دموکراسی است. بسیاری از دانشمندان دموکراسی را بعنوان يك فلسفه زندگی مورد توجه قرار میدهند و مفهوم آن را محدود به « حکومت عامه » یا « حکومت ملی » نمیسازند. جان دیوئی دموکراسی را عبارت از راه زندگی میدانند. هول فیش استاد فقید تعلیم و تربیت دموکراسی را راه نیل بزنگی فرض میکند. میتوان گفت دموکراسی بعنوان يك ایدال اجتماعی عاقلانه ترین و انسانی ترین راه زندگی است و بطور مسلم پرورش عقلانی و تقویت جنبه های بشر دوستی تنها در سایه تربیت صحیح امکان دارد. در راه تربیت صحیح میتوان به افراد آموخت که چگونه به شخصیت هرفردی از افراد بشر بدون توجه به نژاد، جنس، عقیده، ملیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی باید احترام گذاشت. با افراد یاد داد که در روبرو شدن با مشکلات بچه صورت روش عقلانی را باید بکار برد و با آنها فهماند که در اجتماع، افراد برای دخالت در سرنوشت خود و شرکت در اخذ تصمیماتی که مستقیم یا غیر مستقیم در وضع آنها موثر است حق و وظیفه ای دارند و استفاده از این حق و انجام وظیفه باید روی اصول عقلانی صورت گیرد. در هر مرحله از زندگی باید رشد افراد و مصالح عمومی مورد توجه باشد از طریق تربیت صحیح میتوان روح همکاری را که لازمه ادامه زندگی انسانی است در افراد بوجود آورد و با شرکت دادن آنها در کارهای جمعی در این زمین اقدام کرد. ادراك ارزشهای اجتماعی مثل « اصولی بودن » یا « باپرنسیپ بودن » و پیروی از میزانهای و هدفهای انسانی، انتخاب میزانهای صحیح، کوشش برای تامین مصالح عمومی، رعایت درستی و شرافتمندی، پرهیز از تملق و داشتن عزت نفس و احترام به شخصیت خود، استقامت در مقابل فساد و مبارزه با آن، دارا شدن روح حق طلبی و عدالت خواهی، درك ارزشهای معنوی و نظائر آنها تنها در سایه تربیت صحیح و تحت نظر مربیان آگاه در میان افراد رسوخ پیدا میکند؛ اولیاء بچه ها و مربیان میتوانند در جریان زندگی چه در مدرسه و چه خارج از مدرسه با استفاده از فرصتهای مناسب اهمیت و اعتبار اینگونه امور را برای بچه ها روشن سازند.

فهم و ادراک ارزش میراث فرهنگی و آشنائی با آنچه در زمینه های مختلف زندگی از گذشتگان بمانده است جز در سایه تربیت صحیح از طریق دیگری امکان پذیر نیست. در اینجا باید یک نکته مهم را در نظر گرفت و وظیفه مربی این نیست که فقط در مورد آشنا کردن بچه ها بمیراث فرهنگی اقدام نماید بلکه باید با استفاده از میزانهای علمی و در نظر گرفتن احتیاجات و مقتضیات زندگی فعلی با آنها کمک کند تا میراث فرهنگی را مورد ارزش سنجی قرار دهند و ضمن اینکه تجربیات آنها در زمینه های مختلف زیاده میشود در توسعه و پیشرفت میراث فرهنگی نیز اقدام نمایند.

تعلیم و تربیت در مقابل دین و ادراک ارزشهای دینی نقش مهمی بعهده دارد مربی آگاه و روشن ضمیر باید با افراد کمک کند تا عقاید دینی را بطور صحیح و عقلانی بررسی کنند نقش دین را در تقویت جنبه های معنوی حیات انسان ادراک نمایند تاثیر دین را در رشد نیروی حق طلبی و عدالت - خواهی در میان افراد بفهمند و نقش پیشوایان دینی را در بالا بردن سطح ایمان و اخلاق مردم و جانبازی آنها در مبارزه با ظلم و فساد و توسعه عدالت مطالعه نمایند اکنون که باختصار تاثیر تعلیم و تربیت در ادراک ارزش امور بالا روشن شد جا دارد که مفهوم تعلیم و تربیت را بررسی کنیم.

برتراند راسل عالم و فیلسوف انگلیسی در کتاب «در تربیت» در فصل مربوط به هدفهای تربیتی، تعلیم و تربیت را عبارت از رشد نیروی حیات و پرورش هوش و حساسیت و تقویت روح شجاعت در افراد میداند.

این تعریف متضمن نکته های روشنی است و میتواند راهنمای مربیان در بعضی از امور تربیتی قرار گیرد تعریفهای جامع دیگری نیز از تعلیم و تربیت شده است که بذکر آنها مبادرت میشود. پاره ای از مربیان تعلیم و تربیت را عبارت از راهنمایی جنبه های مختلف رشد شخصیت انسان دانسته اند. رشد افراد در جنبه های عقلانی، اجتماعی، عاطفی، بدنی، دینی، هنری و اخلاقی باید مورد توجه مربیان باشد. کار مربی این است که نقش یک راهنما را در رشد جنبه های بالا اجرا کند، مثلا در جنبه عقلانی باید افراد را طوری تربیت نمود که بتدریج نتایج اعمال خود را پیش بینی کنند و با انتخاب هدفهای اساسی

و استفاده از وسائل مناسب و تهیه نقشه در زندگی اقدام نمایند علاوه بر این در پرورش رشد عقلانی تقویت روح علمی یعنی رشد قوه قضاوت صحیح باید مورد توجه باشد در زمینه اجتماعی باید افراد را برای بسر بردن و آمیزش با دیگران، رعایت احترام افکار و عقاید آنها، همکاری با دیگران و ایجاد تفاهم مشترك میان آنها آماده نمود. در زمینه عاطفی مربی باید با افراد كمك كند تا طرز ابراز عواطف و نحوه تسلط بر عواطف را بیاموزند. در زمینه های دیگر نیز مربی آگاه باید با استفاده از تجربه های علمی و اجتماعی راهنمای خوبی برای افراد باشد.

بعضی تعلیم و تربیت را عبارت از رشد قوه قضاوت صحیح در افراد میدانند منظور از قضاوت صحیح قضاوتی است که متکی بدلیل و منطقی باشد چنانکه میدانیم افراد در هر مرحله از حیات با امور و مسائل گوناگون روبرو هستند ادامه زندگی مستلزم اظهار نظر و اخذ تصمیم درباره امور مختلف است بنابراین هر چه استعداد قضاوت صحیح در افراد بیشتر رشد کند زندگی آنها با موفقیت بهتری توأم خواهد بود.

جان دیوئی مربی بزرگ و عالیقدر آمریکائی تعلیم و تربیت را دوباره ساختن تجربیات یا تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها میدانند بنظر وی افراد در هر مرحله از حیات دارای افکار، احساسات، تمایلات، عادات، نظر و طرز برخورد و اطلاعات خاصی هستند؛ در جریان زندگی با افکار تازه روبرو میشوند، عادات بهتری نظر آنها را جلب میکند و تجربیات علمی آنها صحت یا سقم افکار و نظرهای را که در گذشته پذیرفته بودند روشن میسازد بنابراین در هر مرحله از حیات کار مربی كمك با افراد در تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آن تجربیات میباشد اگر تجدید نظر در تجربیات با قضاوت صحیح توأم شود بطور مسلم فرد در هر مرحله از حیات در حال رشد و پیشرفت خواهد بود.